انجنیر سید مختار دریا

۲۳ مارچ ۲۰۲۰

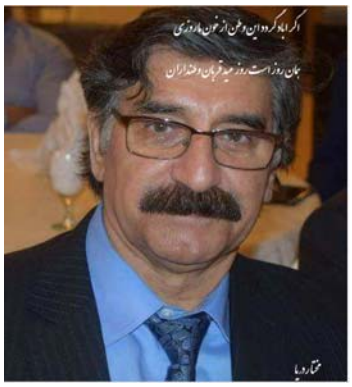

بـاران نـگاه

ز بـاران نـگاهـش گلبـن انـدیشـه ام گل کـرد چـو آنشب با لطافت سـاغـرم لبـریـز از مل کـرد
خـدنگ تیـز پـرواز نـگاه مـست و مخمـورش شکست آن گـردن مینـا که بیباکانـه قل قل کـرد
شـرار شـوق عـریانـی زچاک سینـه اش سـر زد به صد ناز و ادا خم گشته شاخ گل به کاکل کـرد
چـو شبنـم ریخـت بـاران لطـافـت بـر رخ زردم شمیـم پیکـرش صـد ناز بر نسریـن و سنبل کـرد
چو طاووس از خجالت بال و پر بسته است در گلشن یقینـم شـد کـه آن مهپـاره قصـد چیـدن گل کـرد
عـرق از شـرم بر رخسار یاس و یاسمـن سـرزد چـو طنازی خـرامی در چمـن افشانده کاکل کـرد
هـزاران شکوه بلبل از جفـای دست گلچین داشت کـه بیـرحمانـه انـدر باغ دامانش پـر از گل کـرد
غـریـو ابـر نیسـان از فـراق جلـوه اش باشـد کـه ازدامان صحرا رو به سوی شهـر کابل کـرد
سـراپـا نسترن پـوش اسـت طبـع نـازک دریـا چو یادی زان پری رخساره رشک خرمن گل کـرد

"مختار دریا" کانادا ۱۰ سپتمبر ۲۰۱۶